

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۴ اگست ۲۰۱۹

خودش کافیت، به دشمن نیاز ندارد!

جمعه - ۰۱ سنبله ۱۳۹۸ - کابل: یادداشت امروز را می خواهم به درامه ای که توسط "لطف الله نجفی زاده" خبرنگار تلویزیون "طلوع" و "غنی احمدزی" رئیس جمهور دولت دست نشانده به نمایش گذاشته شد، اختصاص بدهم امید مورد توجه قرار گیرد:

۱- هر دو طرف مصاحبه یعنی پرسشگر و هم پاسخدهنده، سر در یک آخور دارند. یعنی هر دو طرف نوکر امپریالیسم امریکا و از جواسیس جانفدای آن قدرت جهنمی به شمار می روند. در نتیجه این مصاحبه با تمام فراز و فرود آن و با تمام زورگوئی ها و عقب نشینی های این و یا آن، درامه ای بود که سناریوی آن کلاً از جانب سفارت امریکا نگاشته شده به هر دو طرف دستور اکید داده شده بود که چه باید بپرسد و چه باید پاسخ دهد.

۲- "غنی احمدزی" از مدتها بدین سو به اجازه و یا بدون اجازه سفارت امریکا، "نجفی زاده" و خانواده اش را در بند ارگ قید نموده، ضمن پرداخت میلیونها دالر پول سرقت شده از مال مردم جهت تبلیغات انتخاباتی، از برادر گرفته تا خواهر و بقیه فامیل دور و نزدیک "نجفی زاده" را در جمع مشاوران ریاست جمهوری و ارگ مقرر نموده، با دادن رشوت های دالری، در حقیقت تلاش نموده تا تلویزیون "طلوع" را در گرو خود نگه دارد.

۳- جریان مصاحبه به وضاحت نشان داد که "غنی احمدزی" انسانیت زورگو، مستنبد و خود رأی. او بارها در جریان مصاحبه به جای دادن پاسخ به سؤالهای "نجفی زاده" از آنجائی که ظرفیت، توان و تحمل پاسخدهی حتا به همچو سؤالهای "سرسری"، "ساده"، "پیش پافتاده" و به گفته ایرانی ها "آبکی" را نیز نداشت با خبر نگار به دعوا پرداخته با تکرار جملاتی چون: "مشکل شما چیست؟، چه می خواهی بگویی؟، تو و رسانه تان به طالبان شباهت دارید، اصول ما و شما ایطور نیست؛ شما باید اصولی را، که گفته بودیم، متوجه باشید و..." مستقیماً خبرنگار را تهدید می کرد که باید چیز هائی را بپرسد که توافق کرده اند.

هموطنان عزیز!

نمی دانم که برداشت شما از این مصاحبه و لافزنی های "غنی احمدزی" به خصوص "داشتن برنامه" چگونه است، تا جائی که به برداشت این قلم برمی گردد، باید نوشت:

الف- داشتن برنامه، خوب و یا بد فقط زمانی ارزش پیدا می نماید که کسی بخواهد آن را از کاغذ فرا تر برده عملی سازد. در غیر آن چیزی بیشتر از کاغذ تشناب نیست. "غنی احمدزی" نه یک بار بلکه باربار از این که برنامه دارد

نسبت به رقبایش فخر فروشی نمود. این مغز متعفن تا حال نخوانده است که از "یک درجن برنامه کرده یک گام عملی ارزشمند تر است". اگر به خاطرتان باشد چندی قبل ضمن یکی از یادداشت های روزانه ام به این تفاوت اشاره نموده بودم. آنهم زمانی بود که "غنی احمدزی" در برنامه اش گفته بود که ظرف همین سال ۳۴۰۰ مکتب مسلکی می سازد، مگر عملاً ظرف یک سال ۴ مکتب مسلکی را فعال ساخته نتوانست.

ب- او در جریان مصاحبه، چنان ظرفیت و مغز متعفن و خوی استبدادی اش را به نمایش گذاشت که اگر کسی تا امروز نیز نمی دانست که این انسان نمای کوچک تا چه حد خودخواه و مستبد است، اکنون می داند. از نظر من برای افرادی از قماش وی، هیچ نیازی به داشتن دشمن نیست، خود آنها بهتر از صد دشمن خود را معرفی می دارند.

سرکها ما را می طلبد!!